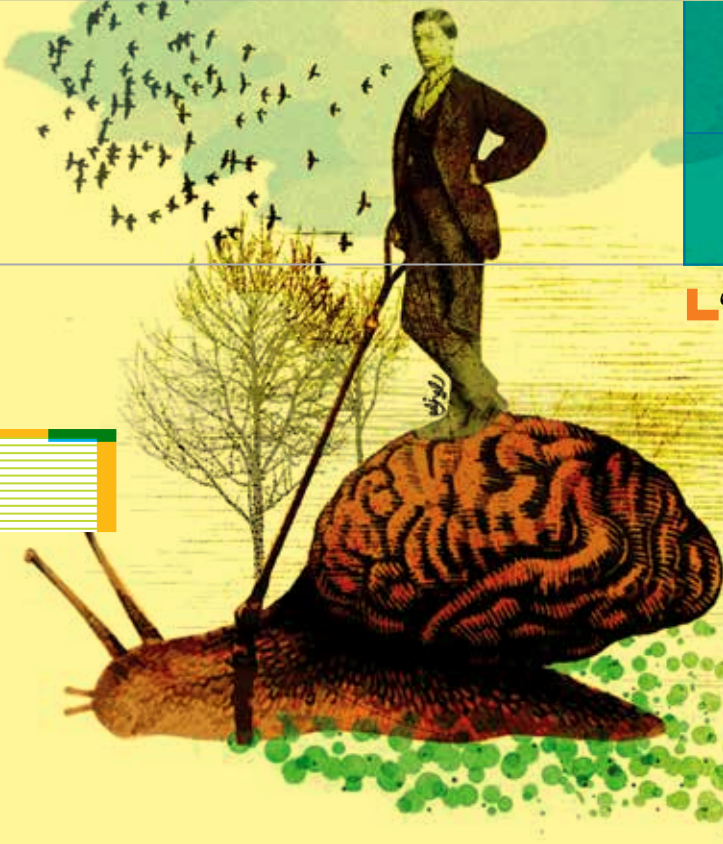


# مدیریت سبز مادرگیتی

منوچهر نوری



سالیان سال کره زمین با نگاه مهربان و دستان پینه بسته و بازوان توانمند ساکنان و مستأجران خویش حیات آرامی را می گذرانند. اندک اندک، این ساکنان با صنعت و صنعتگری آشنا شدند و ابزار و آلات جدید را دستمایه خویش کردند و از دوران کشاورزی سنتی به عصر صنعتی شدن هجرت نمودند. ضربات محکم پتک‌ها و تیغه‌های ماشین‌های سنگین، صدای دلخراش اتومبیل‌ها، دود ناشی از کارخانه‌ها و خودروهای سبک و سنگین با سوخت‌های فسیلی، شکافتن دل و قلب این کره و زمین پاک به نام معادن سرب، زغال سنگ، فولاد، مس و طلا و...، حفر چاه‌های نفت در دل دریاها و کنار اقیانوس‌ها، غرش کشتی‌های حامل سوخت‌های فسیلی و زیردریایی‌ها و ناوها در بستر آرام دریاها و اقیانوس‌ها، قطع درختان و نابودی جنگل‌های سبز، دمار از روزگار این کره مظلوم درآورد و پیکره آن را زخمی و رنجور کرد. با وجود پا گذاشتن به عصر جدید به نام عصر فراصنعتی و عصر دانایی و اطلاعات، هنوز علائم قابل توجهی از ترمیم و بهبود این زخم‌های کهنه مشاهده نمی‌شود.



همه مادر حفظ زمین سهم داریم. البته این سهم تنها در نابودی مستقیم حیات سبز نیست بلکه با کمک به تولید گازهای گلخانه‌ای، تولید وسایل پلاستیکی و مواد غیرقابل بازیافت، تولید وسایل نقلیه و کسب و کارهای مرتبط با سوخت فسیلی و نفت و گاز، همگی حرکتی است که ما را به آخر خط (نابودی و بیماری زمین) سوق می‌دهد. کره زمین هم مثل هر یک از ما انسان‌ها که از میلیون‌ها سلول تشکیل شده‌ایم، از میلیون‌ها نفر درست مثل ما شکل یافته و حیات ما در گرو حیات زمین است. همه کسب و کارها و استراحت و تفریح و سفر ما در روی همین کره زمینی است که باید قدرش را بدانیم و آن را حفظ کنیم.

### شرح آنچه که می‌توانیم

از ابتدای دوران صنعتی و با بروز و ظهور نظریه‌های کلاسیک مدیریت و نگاه به انسان به‌عنوان یک موجود اقتصادی نه اجتماعی و فرهنگی، شرایط و نوع حکومت در قالب ارباب و رعیتی نوین، استثمار انسان‌ها در استخراج معادن، و به تدریج ساخت ماشین‌آلات سنگین، کارخانجات غول‌پیکر و صداهای مهیب آن‌ها، مانع از شنیدن فریادهایی می‌شد که از تن رنجور زمین برمی‌خاست. ولع ناشی از ثروت‌اندوزی سرمایه‌داران قرن سرمایه‌داری، همه چیز را در استخدام و تحت مصادره منافع خویش درآورد. اگرچه نظریه‌پردازان نئوکلاسیک و سیستمی، اندکی از «هجمه برای تخریب همه‌چیز برای سود بیشتر» کاستند، به هیچ وجه کارساز واقع نشد و همچنان زمین دستخوش زوال و نابودی است.

- اینکه آب و هوا را آلوده می‌کنیم تا از تولیدات تصفیه آب و هوا فروش بیشتری داشته و سود بیشتری ببریم،

- به آلودگی هوا دامن می‌زنیم تا ماسک‌های تولیدی ما به فروش برود،

- زباله تولید می‌کنیم تا کارگران بیکار نباشند،

- هر کالای بی‌کیفیت و غیراستانداردی را تولید می‌کنیم تا سود بیشتری ببریم،

- پیروس تولید می‌کنیم تا پیروس کش‌هایمان به فروش برسند،

- کارخانجات معدنی را در بالادست‌ها بدون توجه به آلودگی آب‌ها در فرودست‌ها احداث می‌کنیم،

- درختان را به بهانه درست کردن میلمان و صنایع چوبی و غیره بدون اقداماتی جایگزین تنها برای استفاده امروزان قطع و جنگل‌ها را نابود می‌کنیم،

- مواد آموزش و فرهنگی بسیاری را بدون توجه به تضمین کیفیت آن‌ها در یادگیری، صرفاً برای سودآوری بیشتر تولید و ترویج می‌کنیم،

- محصولات و کالاهای زیادی را بدون توجه به اینکه چه خسارت و زبانی به محیط‌زیست و سلامت انسان‌ها می‌زند تنها برای سود بیشتر تولید می‌کنیم و به فروش می‌رسانیم،

هنوز هیچ پاسخی برای سؤالات نسل‌های آینده که چرا محیط‌زیستمان را نابود کرده و ریه‌های زمین و ما را با مشکل مواجه کرده‌اید، نداریم. همه چیز تحت‌الشعاع سیاست‌های سیاست‌مداران مغرور، خودخواه و غیرمسئول است. اگرچه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات مردم‌نهاد خیرخواه و دوستدار زمین و مردم بسیاریند و در مسیر حفظ محیط زیست گام‌های زیادی برداشته‌اند، این حرکت‌های مثبت، در مقابل سیل بنیان‌کن در تخریب زمین و محیط‌زیست بسیار ناچیز است. برای مثال، امروز شرکت‌های بزرگی در جهان برای موفقیت خود، در قالب پروژه‌های عظیم انسان‌دوستانه، به کشاورزان کشورها و مناطق محروم که فقر آنان محیط زیست را تخریب می‌کند، کمک می‌کنند.

جنگل‌های آمازون با تبدیل دی‌اکسیدکربن به اکسیژن، خدمت بزرگی به انسان‌ها می‌کند. آن‌ها ریه‌های کره زمین‌اند و بیش از ۲۰ درصد اکسیژن کره زمین را تأمین می‌کنند. گیاهان جنگل‌های استوایی، یک‌چهارم داروهای امروزی و ۷۰ درصد گیاهان مؤثر در درمان سرطان را فراهم می‌کنند. حداقل ۳۲۸ داروی جدید و کشف نشده، با ارزش بالقوه ۳ تا ۴ میلیارد دلار برای شرکت‌های داروسازی خصوصی، ارزش بالقوه برابر با ۱۴۷ میلیارد دلار برای تمام جامعه، وجود دارند. به‌رغم مشارکت بسیاری از شرکت‌های بزرگ کسب‌وکار مانند آودا (یک شرکت بهداشتی)، جانسون اند جانسون، نایکی و پولا‌روید برای حفظ محیط‌زیست به اقدامات خوبی در اشتغال‌زایی بومیان جنگل‌های بزرگ آمازون و مناطق استوایی دست‌زده و بومیان را تشویق کرده‌اند تا دانه‌های گیاهی خاصی را در ازای دریافت دستمزد خوب برای این شرکت‌های غذایی، دارویی و بهداشتی فراهم کنند و به‌واسطه آن از فروش جنگل‌ها به صنعتگران بی‌رحم و یا تبدیل آن‌ها به مراتع دامداران امتناع ورزند، لکن هنوز راه زیادی در حفظ زمین و سلامت محیط‌زیست در حال نابودی، در پیش است. این جنگل‌های انبوه، به‌رغم اینکه بخش جدانشدنی از اکوسیستم هستند، توسط برخی کسب‌وکارها به‌عنوان کالای جهان‌سومی تلقی شده و در نتیجه سریع‌تر از هر منبع طبیعی دیگری در زمین، در حال ناپدید شدن و به غارت رفتن‌اند. بیش از پنجاه میلیون هکتار از اراضی این جنگل‌ها - یعنی منطقه‌ای به وسعت مجموع کشورهای انگلستان، ولز و اسکاتلند - در حال نابودی هستند. ادامه این روند، موجب نابودی نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد از اکوسیستم‌های جنگل‌های استوایی تا سال ۲۰۲۰ خواهد شد. هر روزه حدود ۹۰ هکتار از اراضی جنگل‌های انبوه و بارانی به‌خاطر تهیه تخته و الوار، محصولات کاغذی یا چرای دام‌ها نابود می‌شود. برای هر همبرگری که از گوشت دام‌های این جنگل‌ها تهیه می‌شود، بیست متر مربع از مساحت آن کاسته شده است و این یعنی نابودی یک آشپزخانه برای تهیه یک همبرگر! (رزقی، مرضیه، ۲۰۰۶)

جنگل‌ها و مراتع موجود در کشور ما در مقابل شمار انبوه و عظیم جنگل‌های استوایی و آمازون اروپایی، روسیه و منطقه هند و چین و استوا بسیار ناچیز است. لکن براساس نظریه آشوب، که همه کل از یک جزء ناشی می‌شود و طوفان، ریشه در بال پر پروانه‌ای دارد،



## مدیران با اندیشه سبز معتقدند که کسب و کار و توسعه رفاه مردم، دو روی یک سکه‌اند

(مکانیسم) زنده و متکامل است و وظیفه و مسئولیت ما در قبال آن، این است که تلاش کنیم ارتباطی سازنده با آن برقرار کنیم و این احساس مثبت را به همگان منتقل کنیم.

خلاصه آنکه در مدیریت سبز، «کسب سود در اولویت نیست؛ قبل از آن باید به حقوق اجتماعی انسان‌ها توجه کنیم و زمین را به‌عنوان مادر انسان‌ها پاس بداریم و در حفظ و نگهداری و یویایی‌اش بکوشیم».

باید بدون به‌خطر انداختن توان نسل آینده برای دستیابی به آنچه موردنیازشان است، به کسب و کار بیندیشیم و به آرمان جامعه نسبت به تولید و تهیه کالا و خدمات بدون آسیب رساندن به سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی وفادار باشیم؛ یعنی علاوه بر سرمایه نقدی، سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی را نیز از عوامل موفقیت‌مان به حساب آوریم.

مدیران آشنا به مدیریت سبز در کسب و کار به‌خوبی دریافته‌اند که کاهش ضایعات، مستقیماً به صرفه‌جویی قابل توجهی در منابع مالی منتهی می‌شود؛ چرا که از محل فروش ضایعات و بازیافت آن می‌توان درآمد قابل توجهی کسب کرد. آنچه امروز به نام تبدیل گازهای حاصل از دفن زباله‌ها به انرژی و کاهش گازهای گلخانه‌ای مطرح است، در راستای همین عمل انسان‌دوستانه و دوستدار محیط‌زیست (زمین) صورت گرفته است. چرا که فعالیت‌های زیست‌محیطی، در بسیاری موارد می‌تواند به ایجاد مزیت رقابتی بینجامد.

وقتی شرکت‌های بزرگ ملی و جهانی روی رونق بخشیدن به بازار رقابتی کشاورزان محلی و کم‌درآمد کار می‌کنند و می‌توانند سطح رفاه و وضعیت معیشت آنان را به میزان قابل توجهی بهبود بخشند و یا انرژی خورشیدی ارزان قیمت را به روستاها ببرند و با تعبیه دستگاه‌های تصفیه آب آشامیدنی در مناطق

تأسیسات نفتی و گازی عظیمی را در دریاها و اقیانوس‌ها بدون توجه به بهداشت آبزیان دریایی صرفاً با هدف سودآوری احداث می‌کنیم؛

جاده‌ها و آزادراه‌ها، شهرک‌ها و ویلاهای زیادی را بدون توجه به سلامت زمین دایر می‌کنیم؛

به بسیاری از کارهای غیرقانونی صورت قانونی می‌دهیم و به زمین آسیب‌های جدی وارد می‌کنیم؛

داروهای بسیاری را بدون توجه به آثار سوء آن‌ها به خورد مردمان ضعیف و تهیدست جهان می‌دهیم و سودهای کلان می‌بریم؛

... -

نگاه در مدیریت سبز ناظر بر سه اصل است:

۱. مردم ۲. زمین ۳. سود.

یعنی، تعهد و پایبندی به حفظ محیط زیست و مراقبت از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم. در تولید همه محصولات و کالاها، تلاش‌های ما برای حفاظت از زیست‌بوم و مسئولیتی است که در قبالش داریم. ما در قبال همه جهان مسئولیم. نگرانی‌های ما درباره جنگل‌های بارانی جهان از قبیل آمازون و برزیل و جنگل‌های استوایی و غیره که ریه‌های زمین محسوب می‌شوند محفوظ است. در قبال صدها کسب و کار که برای سود بیشتر به موضوع حفاظت از منابع طبیعی بی‌توجه‌اند، نگرانیم. همه ما، در هر مسیری که گام برمی‌داریم، از خودرویی که می‌رانیم، جایی که سفر می‌کنیم، خرید می‌کنیم و صدها کسب و کار دیگر، از خوردن تا شست‌وشو و غیره، در قبال زمین و حفظ محیط‌زیست مسئولیم و نسبت به آن دین داریم. در مدیریت سبز، بحث زمین پاک تنها به طرفداران محیط‌زیست محدود نمی‌شود و همه کسب و کارها در مقابل آن تکلیف دارند. جهان یک سازوکار

محرورم، زندگی آنان را بهبود بخشند، این یعنی مدیریت سبز؛ یعنی اخذ هر تصمیمی که با ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی منطبق است.

مدیران با اندیشه سبز معتقدند که «کسب‌وکار و توسعه رفاه مردم، دو روی یک سکه‌اند. شرکت‌ها، نمونه‌ای کامل از جوامع و مردمی هستند که در آن‌ها کار می‌کنند و اگر این جوامع موفق نباشند، آنان نیز موفق نخواهند بود. این شرکت‌های موفق با مدیریت سبز، رسالت اجتماعی در کسب‌وکار دارند.

آلوده شدن دنیا به نگاه سرمایه‌داری مانع بزرگی در راه آسایش و آرامش مردم و زمین است. اینکه امروز ما خوشحالی‌مان را در پیشرفت و زندگی مناسب جمعیت چندمیلیاردی در اقصی نقاط کره زمین، به‌ویژه هند و چین، اعلام می‌کنیم به همین جهت است. وقتی آن خیل عظیم در آرامش باشند، مردم و زمین در آرامش‌اند. این همان نگاه سیستمی و نظام‌دار و دیدن جهان به مثابه یک موجود زنده است.

مدیریت سبز به نوعی اطمینان یافتن از درستی کسب‌وکارها از جنبه‌های درست و اخلاقی است. وقتی ما اخلاق حرفه‌ای و فردی و اجتماعی را در کسب‌وکارها و فرایند تولیداتمان رعایت می‌کنیم، در واقع داریم به مردم و زمین خدمت می‌کنیم. بدیهی است وقتی مردم و زمین منتفع گردند، ما نیز به سودمان در کسب‌وکار خواهیم رسید. یادمان باشد هر چه به نیازهای کارکنان خود بیشتر ارزش دهیم، بازگشت سرمایه اجتماعی بیشتری را تجربه خواهیم کرد.

در مدیریت سبز نیازمند رهبران فکری بیشتری در مدیریت‌های اجرایی هستیم؛ خلق چشم‌اندازی برای قرن آینده در یکپارچه‌سازی عملکرد تمام شرکت‌ها و سازمان‌های جهانی در موضوع محیط زیست.

## جمع‌بندی

در بررسی‌های علمی، انواع نشست‌ها و کمیسیون‌های تخصصی درباره فقر، گرم شدن زمین، گونه‌های در معرض انقراض و... حرف‌های زیادی زده می‌شود، اما این موضوعات به این واسطه ره به جایی نخواهد برد. این‌ها مسائل روحی و احساسی هستند و مادامی که ما انسان‌ها واقعا با روح خود اثراتشان را درک نکنیم و چشمانمان به روی این واقعیت باز نشود که هر چه برای دیگران بخواهیم در واقع برای خود خواسته‌ایم، حل نمی‌شوند. ما با افکار و حرف‌هایمان نمی‌توانیم طرز فکر دیگران را تغییر دهیم. به آخرین باری که طرز تفکر خود را درباره موضوعی عوض کرده یا مجبور به عکس‌العملی شده‌اید، یا اینکه متأثر شده و گریه کرده‌اید، ببینید؛ علت چه بود؟ اگر شما در هر موردی اختیار تام و کاملاً مقتدرانه داشتید، چه چیزی را در زندگی خود و سازمانتان تغییر می‌دادید؟ تحول زمانی رخ می‌دهد که زنگار غفلت از قلب‌های ما شسته شده باشد و دریچه‌های آن گشوده شود. این زمانی است که ما به این احساسات خالصانه تسلیم می‌شویم و آن‌ها از راه می‌رسند و این گام نهایی است. این درک، این گشودن روح به سمت دیگران به سمت افکاری متفاوت و تازه، راه را به سوی درمان و تغییر می‌گشاید. اینکه با مشاهده نابودی محیط زیست، تغییری

در ما حاصل نمی‌شود و ما نسبت به آیندگان بی تفاوت شده‌ایم، با سخنرانی و نصیحت و کنفرانس و سمینار درست نمی‌شود و وجدان بیدار می‌طلبد، اینکه اگر آیندگان از ما بپرسند که چرا حقوق و سهم طبیعی ما را با خودسری و خودخواهی و ترس از دست دادن‌های مادی و شغلی نادیده گرفتید و نابود کردید، چه پاسخی خواهیم داشت؟ همان‌طور که برای آینده شخصی‌مان برنامه‌ریزی می‌کنیم، باید به فکر پاسخ‌دادن به آنان نیز باشیم. بیشتر تغییرات و تحولات جهانی از یک نفر شروع شد و سپس، میلیون‌ها نفر به او پیوستند.

در درازمدت، مفهوم اصول سه‌گانه مدیریت سبز «زمین، مردم و سود» یا به عبارتی محیط‌زیست، حقوق اجتماعی و شهروندی مردم و منافع مادی و مالی، باید همچنان مطرح شود تا نزد همگان قابل قبول تر و پذیرفتنی تر گردد. راه‌های نجات در بدنه سیاست مستتر است و در انتظار گفت‌وگوهای صادقانه و صمیمانه ما با

## مدیریت سبز به نوعی اطمینان یافتن از درستی کسب‌وکارها از جنبه‌های درست و اخلاقی است

یکدیگر در سطح جهانی و بین‌المللی آشکار شوند. در این راستا نه به پژوهش و بررسی بیشتر بلکه به ارتباطات بیشتر محتاجیم. آنچه نجات خواهد یافت، خودمان هستیم و نتیجه این اقدامات، در نهایت به نفع خوشبختی، احساسات، روابط، خانواده‌ها، دوستان و سرزمین ما خواهد بود.

## سخن پایانی

سخن پایانی من خطاب به مدیران آموزش‌وپرورش، به‌ویژه مدیران مدارس است. حفظ نعمات الهی و طبیعت و محیط‌زیست پاک و سالم به‌عنوان مادر گیتی برای نسل امروز و فردا، بر همه ما واجب و ضروری است. چگونه می‌توانیم سالم، شاد و با قدرت بر بستر زمین ناسالم، ناشاد و ضعیف زندگی کنیم؟ خداوند زمین را برای ما انسان‌ها خلق کرده است که در آن آرام بگیریم و او را عبادت کنیم. عبادت او یعنی انجام دادن درست کارهای درست؛ یعنی مهر ورزیدن، عشق ورزیدن و کمک کردن به هم و برای آخرت خویش ذخیره داشتن. زمین سالم و شاد و پاک مزرعه آخرت است نه زمین آلوده و ناپاک. همه ما بر روی همین زمین نفس می‌کشیم و از نعمات آن برخورداریم. سزاوار نیست قدر آن را ندانیم و برای حفظ آن کوشا نباشیم و این را به فرزندانتان نیاموزیم. دانش‌آموزان را در قالب فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف یادگیری نسبت به حقوق اجتماعی مردم، حفظ محیط‌زیست و نهایتاً بهره‌گیری از مواهب الهی آموزش دهیم. این باور و اعتقاد را ابتدا در نگرش و رفتار خود نهادینه سازیم و سپس با حرف و عمل به آن‌ها بیاموزیم.